

# کارگران ایران خودرو معرض به ساعت کار اجباری

حسین نادرزاده

در جهان امروزی که اکثریت کارگران کشورهای جهان جهت کاهش ساعات کار به زیر ۴۰ ساعت در هفته مبارزه می‌کنند که بتوانند با کم کردن ساعات کار عادی به زندگی خویش برسند، در کشور ما این مسایل جای خود را به تصمیم مدیریت‌های شرکت‌ها داده است و کارگران عملاً هیچ‌گونه نقشی در آن ندارند. سال پیش یکی از چالش‌های کارگران شرکت ایران خودرو اصلاح ساعت کار عادی بود. ۶۷ ساعات کار در هفته زندگی کارگران را فلج کرده بود. کارگران خواستار اصلاح ساعت کار و افشای طراح آن بودند.

مدیریت این شرکت در آغاز شروع کار سال جدید، صراحتاً اعلام کرد که جهت افزایش تولید و رسیدن به اهداف تعیین شده تولید روزهای جمعه را نیز در سر کارهای خویش حاضر خواهند بود.

کارگران شرکت در ۸۱/۱/۲۱ با اطلاع‌ها، روبه‌رو شدند که از کارگران خواسته شده بود روز جمعه ۸۱/۱/۲۳ را طبق روزهای عادی در سر کارهای خویش حاضر شوند.

گوشه‌هایی از این اطلاعیه را با هم مرور می‌کنیم: «همکاران محترم براساس تصمیمات اعلام شده تا پایان خردادماه به‌ناچار ملزم به انجام اضافه‌کاری در روزهای جمعه برای شیفت روز کار خواهیم بود. بنابراین روز جمعه ۸۱/۱/۲۳ برای شیفت روز کار فعلی وفق ساعات کار روزهای عادی اضافه‌کار اعلام

## قابل توجه همکاران شیفت B

باطلاع می‌رساند روز جمعه ۳۰-۰۱-۸۱

اضافه کاری باشد و همه همکاران این شیفت

(اعم از RD و دام ص) باید سر کار حاضر باشند ضمناً

عدم حضور موجب کسر اکورد می‌گردد!

اداره تولید

می‌گردد».

این اطلاعیه هم‌چون جرقه‌ای بود که بر انبار باروت کتیده باشند و باعث شعله‌ور شدن احساسات کارگران شد و کارگران به‌عنوان اعتراض از خوردن غذا خودداری کرده و از مدیریت خواستند که اطلاعیه‌ی خود را مبنی بر اعلام روز کاری روز جمعه را پس بگیرد. چون مدیریت این کار را نکرد ادامه‌ی اعتصاب در دو شیفت کاری بعد از ظهر و شب کاری ادامه پیدا کرد. کارگران در روز جمعه نیز با عدم حضور خویش در محل کار اعتراض خود را به این ساعات کار ضد انسانی اعلام کردند و خواستار رعایت حداقل حقوق انسانی و قانونی خویش که کارفرما را ملزم می‌سازد که بعد از ۶ روز کار یک روز به کارگر جهت تجدید قوای استراحت بدهد.

اما چرا کارگران، به ساعات کار معترض هستند

متأسفانه یکی از نارسائی‌های قانون کار ایران عدم صراحت در بیان ساعات کاری می‌باشد. و این عدم صراحت باعث شده است دست کارفرما در تعرض بر ساعت کار آزاد و به دلخواه مورد آن چه تولید ایجاب می‌کند، با کارگر رفتار کند: روزی را تعطیل و روزی را روز کاری اعلام کند و حتی تعیین ۳ ساعات کار آخر هفته به توافق میان کارفرما و کارگر واگذار کند. ولی این مسأله به علت همان نارسائی توسط کارفرما یک‌جانبه تنظیم می‌شود و نارضایتی و اعتراض کارگران ره به جایی نمی‌برد.

بعد از تغییر و تحولاتی که در دهه‌ی ۷۰ در سطح مدیریت این شرکت انجام گرفت تعرض به ساعت کار و افزایش آن آغاز شد و ساعات کار از ۱۳½ به ۱۵½، حذف ورزش سبک‌ساز و کم کردن اوقات وقت چای و ناهار ادامه پیدا کرد.

با بهانه‌ی برقراری ناهار و افزایش تولید کارگران علاوه از ورزش کردن که توسط قانون اجباری اعلام شده بود محروم شدند، به این هم بسنده نکردند، بلکه با اعلام سه شیفت کاری به‌خصوص در کارهای خطرناک، امنیت جانی کارگران را بیش از پیش در معرض آسیب‌دیدگی قرار دارند به‌طوری که با اعلام اضافه‌کاری اجباری و تعیین لاتگ شیفت عملاً کارگران را از زندگی دورتر و به طرف کار طولانی مدت سوق دادند.

به علت نبود نمایندگان کارگران (شورا و سندیکا) در شرکت و به علت شرایط حاکم بر شرکت که استخدام دائمی جای خود را به قراردادهای موقت و شرکت‌های پیمانکاری داد. و روز به روز بر ساعت کار تعرض شد و این ارمغانی جز نارضایتی و بی‌روحیه کردن کارگران نداشته در حالی که برای شرکت افزایش تولید و سود ۱۰۰ میلیاردی در پی داشت.

از طرفی، طبق قانون شوراها در مورد انتخابات در شرکت‌های بزرگ و عدم حمایت مسئولان از انتخاب شورا در این شرکت حقوق اجتماعی کارگران، پیش‌پیش با اعمال شده و برخلاف اعلامی مدیریت این شرکت که محور توسعه را نیروی انسانی می‌داند

هرگونه تفکر و اندیشه و آرامش و استراحت از کارگران سلب شده است.

به‌طوری که در سال ۱۳۷۹ با اعلام ساعت کار جدید که حتی در عقب افتاده‌ترین کشورهای دنیا نظیر آن وجود ندارد. ۸۶ ساعت کار در هفته را به کارگران تحمیل کردند و علاوه بر آن روزهای پنج‌شنبه قراردادی و حتی تعطیلات خاص را نیز کار اجباری اعلام کردند.

با افزایش ساعت کار شرکت از ۱۳½ تا ۱۵½ یعنی ۱۱½ کار در روز و با کم کردن از وقت نماز و نهار، وقت چای را به زیر ۱۰ دقیقه کاهش دادند که حتی کم‌ترین مجال برای کارگران و ساعت شروع مبداء که ساعت ۵ صبح و رسیدن آخرین سرویس ما به مقصد که حدود ساعت ۱۹½ می‌باشد. بنابراین با توجه به این ساعت کار کارگران حدود ۱۴ ساعت از خانه و زندگی دور می‌افتند و وقتی هم به خانه می‌رسند دیگر رمقی برای آنان نمانده است که بتوانند به زندگی خویش بپردازند.

اما جالب‌تر از ساعت کاری شیفت صبح کار، ساعت شیفت بعد از ظهر می‌باشد که ساعت ۱۶½ از مبداء شروع می‌شود در حالی که برای کارگران ساعت کار را از ساعت ۱۶½ منظور می‌کنند و این ساعت تلف شده بدون پرداخت کوچک‌ترین حقوق از وقت کارگران از بین می‌رود و پایان شیفت بعد از ظهر ۱/۴۵ دقیقه بامداد می‌باشد یعنی کارگر این شرکت در ساعت ۲½ بامداد به خانه می‌رسد و این مشکلات با توجه به محل‌های کارگرنشینی مشکلات عدیده‌ای را علاوه بر این که کارگران از زندگی و از دیدار بچه‌های خویش محروم هستند به‌وجود می‌آورد و آسیب‌های جدی به حقوق اجتماعی کارگران می‌رساند.

وزارت کار هیچ‌گونه نظارتی بر این ساعت کار ندارد و قانون کار نیز صراحت اعلام نکرده است. پرداخت حقوق و درصد آن به کارگران در ساعت ۲ شب بر چه مبنا می‌باشد ولی حقوقی که شرکت پرداخت می‌کند نه حق شب‌کاری بلکه فقط حق گردش شیفت می‌باشد. کارگران از این بابت نیز ضرر می‌بینند.

ادامه‌ی این ساعت کار موجی از نارضایتی را در میان کارگران به‌وجود آورده و برای همین، در سال ۸۰ یکی از عمده‌ترین خواسته‌های‌شان را «اصلاح قانون کار» می‌دانستند.

زمانی که مدیریت اصرار بر ادامه‌ی ساعت کار به این شکل و حتی با اعلام روز جمعه به‌عنوان کار عادی تا ساعت ۱۷½ کرد، گویی این تصمیم هم‌چون پتکی بود که بر سر کارگران کوبیده شد و بهانه‌ای بود که کارگران از خوردن غذا امساح کرده و در سر کار حاضر نشدند و مدیریت را به چالش جدی کشاندند.

البته مدیریت سعی کرد با اعلام مبلغی پاداش کارگران را مجاب کند که به ادامه‌ی این ساعت کار تشویق‌شان بکند ولی با توجه به ساعت کار طاقت‌فرسا، زندگی اجتماعی کارگران در معرض خطر قرار گرفته است و کارگران سعی می‌کنند هر طوری شده از این بن‌بست بیرون بیایند و با نزدیک شدن به هم بر این مشکل غلبه کنند. ♦